

## ایمان خدا ترس

۱

دایه‌ی دایره!

با اصرار تو بر نور

نه شب

به رفتن ترغیب می‌شود

نه سحر

در آمدن

تاخیر می‌کند

هم

به تمامی

قرائت آتش را می‌شنود

کسی / که پشت چشم بند

مرگ نمی‌بیند...

در تلاشی حلزونی

بالا بکشم

که رشته -

رشته

کوه را

مقدر!

: علاجی

به درد

درنوردیدن!

ماه استخوانی!

ملایم سفید!

۲

طمأنینه‌ی پا

در آرام-گام توست

تا

اصوات آهسته را

صعود کنم

تا

از تو سکوت.

همین که قله‌ی معکوس را

۳

آهوهای ندیده را

بو - به

بوی ختن را بهاش

سکوت!

بو شنیدمت

یا ضامن تفنگ!

خلاص ام کن

از این همه آه رمیده.